



گفتارهای رادیویی

برنامه فارسی صدای انقلاب عمان

شماره ۱

انتشار از :

فدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در فرانسه

اکتبر ۱۹۷۸

رفقا، دانشجویان مبارز با تمام توان مبارزاتی
خود به سازمان مجاهدین خلق ایران یاری رسانیم



کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران

آدرس بانکی :

Account No. 59397
Streamer Point Branch
National Bank of Yemen
P. D. R. Y.

آدرس پستی :

P.O. Box 246
Crater Aden
P. D. R. Y.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

گفتارهایی که در این دفتر مطالعه مینمائید در فاصله زمانی خرداد تا تیر ماه ۱۳۵۷ از برنامه فارسی رادیو صدای انقلاب عمان پخش گردیده است. ترتیب آنها به علت روشن نبودن دقیق زمان پخش آنها مراعات نشده و در جاهایی که صدای برنامه رادیویی شنیده نمیشده با (۰۰۰۰) مشخص گردیده است. همچنین در برخی موارد به علت عدم وضوح صدا امکان بیدقتی در لغات و کلمات و یا جا افتادن آنها موجود میباشد. سرتیترها در اصل گفتارها نبوده و ما بعداً آنها را اضافه نمودیم. (قد راسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در فرانسه)

در سهای قیام ۱۵ خرداد ۴۲ ووهانک

نبروهای انقلابی

طوفان خشم مردم میل مهاجمی است که خاشاک و سنگ را از جای می کند
رود بزرگ سخ توانا از راه می رسد.

هموطنان مبارز! کارگران و زحمتکشان ایران! درود بر شما!

در ماههای اخیر رشد و لغتای جنبش انقلابی شما بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم ایران نمود بخش آینده ای تابناک و شکوهان در ساختن ایرانی مستقل - آزاد و آباد بوده است این خیزشها و اعتراضات جمعی و گسترده بخوبی بیانگر اراده تاریخساز شما خلفهای مبارز برای درهم شکستن نظام وابسته حاکم در ایران می باشد.

امروز توده های رنجبر و قهرمان ایران در زیر فشار اختناق و ترور رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن تسلیم نشد و همچنان بیگردد اما استوار و تسلیم ناپذیر خود را برافراشته و با نشانه گیری بسوی ارتجاع داخلی و حامیان امپریالیستی آن مصممند که یکبار و برای همیشه بیخ بندگی ذلت را از گردن و دست و پای خود پاره سازند. این مبارزات قهرمانانه - آمیز توده ای از درگیری و اعتراضات ریشه ای ساکنین خارج از محدوده تهران در برخورد با رژیمی که مزدوران خود را برای تخریب خانه های این مناطق فرستاده بود آغاز گردید و در ادامه به تظاهرات خشم آلود مردم مبارز قیام دلاورانه تیریز و خیزشهای سراسری و یکپارچه ماههای اخیر انجامید. امتداد و ادامه این مبارزات تا خرداد ماه جاری و بخصوص اعتراضاتی که برای بزرگداشت قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ صورت گرفت یکبار دیگر خاطره این روز تاریخی را در خاطره ها زنده کرد. اما از قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا خیزشهای گسترده و توده ای ماههای اخیر جنبش انقلابی خلفهای مبارز ایران راه بس درازی را بپیموده است. اگر در پانزدهم خرداد ۴۲ رژیم توانست با غافلگیر نمودن جنبش آنرا نندید آسربکوب و ملامتی سازد این بار در خیزشهای ماههای اخیر ما شاهد آن هستیم که توده های زحمتکش ایران با توسل به عامل قهر و خشونت انقلابی در برخورد به قوای ارتجاع با حفظ ابتکار عمل دشمن را از محلات قهرآمیز و تهاجمی خود مستاصل نموده اند. پلیس و ارتش مزدور رژیم خائن و وابسته به امپریالیسم شاه با استفاده از هلی کپتر و خودروهای نظامی به تظاهرات کنندگان حمله برده و روی آنها آتش می گشودند. رژیم در هراس و وحشت از جنبش توده ها مراکز بسیاری از شهرها را مورد اشغال نظامی و برقراری نوعی حکومت نظامی قرار داد.

اما توده های رنجبر و مبارزه جوی ایران دیگر از این ابزارهای سرکوبگر رژیم فاشیستی باکی ندارند. آنها در این نمایش و خیزشهای تاریخی خود صدها مرکز و ارگان وابسته به رژیم مزدور شاه و سرمایه داران غارتگر خارجی را با خاک یکسان کردند. اکنون مردم مبارز ایران بدرستی به این حقیقتی می برند که تا سرنگونی کامل رژیم وابسته و قطع نفوذ گمبیه ای ریالیستها از ایران هیچیک از درخواستهای حق طلبانه و دموکراتیک آنها تهنه مین نخواهد شد. آری جنبش انقلابی خلفهای ایران از خرداد ۱۳۴۲ تا خرداد ماه ۱۳۵۷ سیر بر فراز و نشیبی را طی کرده است سختگیری ضد امپریالیستی - ضد سلطنتی این مبارزات و همچنین بکار برده شدن عامل قهر در این خیزشها بخوبی نمایانگر رشد و تکامل

بازرهای است که از طرح شمارها و درخواستهای صنفی - اقتصادی به سطح شمارها و مطالبات سیاسی ارتقا یافته است. این اعتلا نهی که از اولین علائق لرزه برپیکر رژیم دست‌نشانده شاه انداخته است بی رود تا به یک طوفان عظیم انقلابی و سرتاسری برای برانداختن نظم حاکم ایران تبدیل گردد. در این میان رژیم مزدور پهلوی برای سرکوب جنبش و هر آنچه در تیان داشته استفاده کرده است از بیگانه بستن و بیخون کشیدن توده های معترضینا دستگیری و شکنجه. میهن پرستان و بالاخره توسل به توطئه های کجناگون بخاطر رخنه در جنبش انقلابی و برای به انحراف کشیدن آن. همه را آرزیده ولی در همه زمینه ها با شکست مواجه شده است آخر سر رژیم شاه مزدوری توانده به این وسیله ها بدست خود تضادها و بحرانهائی را که زاییده وجود و سلطه نامیمون خودش می باشد حل نماید. مگر کارگر ایرانی عزیز کار و مشقت توان فرمائی که روزانه متحمل می شود از عدم تامین اجتماعی و ابتدائی ترین نیازهای زندگی یعنی نان - مسکن و آزادی رنج نمی برد. مگر دهقان ایرانی از فقر دیداری و عدم برخورداری از حاصل دسترنج خود بیگانه نیامده است. مگر سایر زحمتکاران ایران از پایین بودن سطح دستمزد ها - گرانی سرام آوری و فشار اختقاقی و اجحافات دستگاههای دولتی بیگانه نیامده اند. مگر دانشجویان مبارز و روشنفکران دموکرات ایران از شدت استبداد و ترور رژیم سرمایه داری وابسته و حاکمیت امپریالیسم و تمام شرایح حیات کجور برآخته نشده اند. آباء در جنبش شریائی رژیم غارتگر و سرسپرده شاه خائنی می تواند خشم و نفرت آنان را از نظام حاکم فروزنشاند. و با دادن مانورهای توده های خلق را از مبارزه برای تامین حقوق حقه و ابتدائی خود باز دارد. رفاه و تامین اجتماعی و آزادی واقعی وقتی برای خلق - نهائی تحت ستم ایران فراهم می شود که رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه به تمام معنا سرنگون گردد چجا می حاکمیت بورژوازی وابسته حاکمیت خلق حاکمیت کارگران - دهقانان و سایر زحمتکاران جامعه برقرار گردد.

در چنین دورانی که بیشتر از هر زمان دیگر شرایط برای بسط و گسترش مبارزه انقلابی بخاطر فراهم نمودن زمینه های مناسب برای انجام انقلاب دموکراتیک مساعد می باشد باید با سازماندهی قهر انقلابی توده ها سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم را تدارک دید. همین جهت کیه عناصر و نیروهای آگاه جامعه و بخصوص مارکسیست - لنینیستهای بایست در این شرایط خطیر کیه امکانات و نیروهای انقلابی خود را بکار سیاسی و تشکیلاتی در میان طبقه کارگر و سایر زحمتکاران - جامعه اختصاص دهند این موجب بخصوص از آن جهت قابل توجه است که در شرایط کجونی جنبش خودبخودی توده ها فراتر از جنبش متمرکز و سازمان یافته انقلابی و کمونیستی حرکت می کند. جنبش حق طلبانه و انقلابی خلق هم اکنون فاقد ستاد رهبری واحدی می باشد این امر نشانه ضعف بزرگی است که جنبش دموکراتیک و انقلابی خلق را به خطر براندازی - خرد کردگی و انحراف تهدید می کند.

زیرا بدون پیروزی سیاسی توده ها بدون سازماندهی توده های خلق بدون ایجاد تشکیلات منضبط سیاسی بدون برخورداری از رهبری سازمان واحد و نهانده انقلابی طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست امر انقلاب دموکراتیک و سرنگونی رژیم ارتجاعی وابسته به امپریالیسم تحقق نخواهد پذیرفت. انقلاب دموکراتیک ایران تنها بدست توانای توده های تحت ستم و از طریق سازمان های سیاسی نماینده آنها و تحت رهبری حزب پرولتاریا می تواند به ثمر برسد. بنابراین در اوضاع و احوال کجونی عده ترین طبقه انقلابیین راه یافتن به دریای پر جوش و خروش توده ها آموختن از آنها و متقابلاً آموزش آنها می باشد تا زمانی که توده های عظیم و زحیم ایران از آگاهی سیاسی - طبقاتی و همچنین اهرهای تشکیلاتی لازم برای تحقق بخشیدن به امر انقلاب برخوردار نباشند نمی تواند نظام حاکم را سرنگون سازند. اکنون بازنده

ساز از تحریه ای که نیروهای انقلابی خلق در بازنده خرداد ۱۳۴۲ در این زمینه بدست آورده اند می گذرد ولی فلسفه هنوز نیروهای انقلابی نتوانسته اند با کارگران - دهقانان و سایر زحمتکاران جامعه پیوندی عمیق و نزدیکی بر-

قرار نمایند. آری بدون کارگاهگرانه سیاسی در میان زحمتکاران بدون تشکر و سازماندهی مبارزات خودبخودی توده ها بی خلق بدون بردن آگاهی سوسیالیستی میان کارگران و بالاخره بدون برقراری ارتباط مستقیم و فشرده با توده ها نمی توان مانع از ضربه پذیری جنبش شد در شرایط کجونی که از یک طرف شاهد برآمد و رشتند. فزاینده و مبارزات و اعتراضات توده های ملیوشی خلق و متقابل عدم ارتباط فعال و مستحکم انقلابی و ویژه کمیونتها با جنبش خودبخودی زحمتکاران هستیم و از طرف دیگر می بینیم که عناصر و جریانهای لیبرال و سازشکاری کجشنده با بد نبال کشیدن جنبش آنها وسیله معامله و زد و بند خود با هیئت حاکمه و محافظ امپریالیستی قرار دهند چه امر دیگری می تواند حیاتی تر و ضروری تر از کار بر حوصله سیاسی - تشکیلاتی در میان توده های ملیوشی خلق و بخصوص کارگران برای هدایت جنبش انقلابی و دموکراتیک به سر منزل واقعی خود باشد.

بنابراین در شرایط کجونی فعالیت همه جانبه تحریک - سیاسی و سازمانی برای پیوند با جنبش طبقه کارگر و توده های تحت ستم در صدر وظایف تمل انقلابیون میهنمان قرار دارد. وقتی که میهن منوتو ایران چون تشنه ای که سخت فریاد کرده در کبوتران و فتنگ و سازماندهی می خواهد. باید که تمل هستی خود را در راه آزادی خلق رها سازیم.



جنبش توده ها و دموکراتیسم پیگیر

هموطنان مبارز - کارگران و زحمتکاران ایران - درود بر شما!

در روزهای گذشته موج دیگری از مبارزات قهرآمیز شما توده های زحمتکار قسطنطنیه از ایران و از جمله کرمانشاه و شیراز را فرا گرفته است. ثبات رژیم درمانده شاه خائن از یکطرف روز بروز با اوجگیری این مبارزات دموکراتیک و حق طلبانه بیشتر بخاطر جفاقت و از طرف دیگر انعکاس این مبارزات انقلابی در داخل طبقه حاکم ایران موجب بروز نفاق و چند دستگی شده ای شده است. شاه و باند جنایتکار او می باید از یکطرف ضمن طرحریزی نقشه های فاشیستی در فکر سرکوب نمودن و به انحراف کشیدن جنبش انقلابی باشد و از طرف دیگر با اتخاذ تدابیری مسالمت جویانه مخالفتهای سلطه طلبانه و رقابت جویانه سایر رقبای و متحدین میجویی خود را که در دستگاه هیئت حاکم در کمین جاه و مقامی بهتر نشسته اند فرو بینشانند. رشتد این اختلافات در بیرون هیئت حاکمه بعدی است که بعضی از وزرا و نمایندگان حزب فاشیستی رستاخیز از ترس شدت خشم و نفرت مردم ترجیح داده اند که حساب کار خود را از این حزب که در نزد توده ها افشا و طرد شده است جدا کرده و مستغلا به فعالیت بپردازند. شاه و داور دسته سرمایه داران وابسته به او برای مقابله با چنین وضعی عده ای از ایدئولوگهای بورژوازی و روشنفکران خود فروخته را که تحت عنوان گروه "بررسی مسائل ایران در برتسو انقلاب شاه و مردم" و زیر نظر یکی از روشنفکران بورژوازی وابسته بنام هوشنگ نیانودی جمع آوری شده اند مأمور بررسی اوضاع نابسامان جامعه و ارائه طرح های تجدیدی برای فروزنشدن آتش مبارزات انقلابی و سروسا - مان بخشیدن به اختلافات درونی طبقه حاکمه گردانیده. این گروه نتیجه تحقیقات ضد انقلابی خود را هفته گذشته به شاه خائن تحویل داد. طبق طرح تهیه شده قرار است تمییراتی ظاهری در ساخت این حزب

مسائل جنبش دانشجویی

هموطنان مبارز - کارگران و زحمتکشان ایران درود بر شما!

موضوع مورد بحث امروز ما در باره نقش و وظیفه روشنفکران دموکرات و انقلابی نسبت به جنبش خودبخودی و مبارزات زحمتکشان جامعه می باشد. بطور کلی باید گفت که در جوامع طبقاتی روشنفکران گروه حساس و زلحفاظ کفیی قابل توجهی را تشکیل میدهند که بخشهای مختلف آن در خدمت اهداف و منافع طبقات گوناگون جامعه قرار میگیرند. در جوامع تحت سلطه امپریالیسم مانند ایران روشنفکران به دلیل برخورداری از امکانات آموزش و مطالعات علمی و تحقیقی می توانند خیلی سریع به مسائل و مشکلات بنیادی جامعه می بپردازند. بخش مهمی از این روشنفکران در پیرویه کسب آگاهی و شناخت علمی تحت تاثیر مبارزات خلق به مبارزه کشیده شده و به جهت گرایش که به توده ها و حقانیت مبارزه آنان پیدا می کنند امکانات مادی و معنوی خود را در جهت تأمین منافع توده های تحت ستم قرار میدهند. پس روشنفکری که منشا طبقاتی غیر پرولتری دارد الزاما برای همیشه در مبارزه طبقاتی از بورژوازی و یا خرده بورژوازی جانبداری نخواهد کرد بلکه با شرکت در جریان پراتیک انقلابی می تواند مواضع طبقاتی خود را به نفع توده های تحت ستم تغییر داده و در مقام یک روشنفکر انقلابی به مبارزه طبقاتی پرولتاریا بپیوندد. بنابراین مبارزه جوئترین - آگاه ترین و صادقترین عناصر موجود در میان روشنفکران آنهاست هستند که در خدمت تأمین منافع و تحقق آرمانهای انقلابی کارگران و سایر زحمتکشان جامعه قرار میگیرند. اما بخش عظیمی از روشنفکران هر جامعه را دانشجویان تشکیل میدهند بنابراین گروهبندی های سیاسی - طبقاتی موجود در سطح جامعه عینا بازتاب مادی خود را در میان دانشجویان نیز پیدا میکند. و چون گوناگون نشات مختلف سیاسی در میان دانشجویان خود بازتابی از گروهبندی های سیاسی جامعه است که در تحلیل نهایی نماینده منافع طبقات مختلف آن جامعه میباشند. به همین دلیل وقتی بحث پیرامون هدفهای سیاسی فعالیت و مواضع مشخص سیاسی ما - دانشجویان و روشنفکران مطرح می گردد بلافاصله اختلاف نظرهای سیاسی و موضع گیری های متضاد بر حسب گروه بندیهای طبقاتی موجود در میان آنها پیش کشیده میشود. حتی اختلافات موجود بر سر مسائل صغری و آکادمیک در درون این جنبش یعنی مضمون و نحوه برخورد گروههای مختلف دانشجویی با شعارها و درخواستهای صغری - آکادمیک و هم چنین هدفهای نهایی که هر یک از گروهبندیها از این مبارزات دنبال میکنند بشدت تحت تاثیر گرایشات گوناگون و مختلف طبقاتی و سیاسی موجود در این جنبش می باشد. واضح است که این گروهبندیها - اجتناب ناپذیر بوده و انعکاسی از گروهبندیهای طبقاتی و سیاسی موجود در جامعه میباشد که به مرور طی پیرویه های مبارزاتی شکل گرفته و بالاخره هنگام با تکامل قطب بندیهای طبقاتی و سیاسی جامعه به سمت اشکال قطبی تر پیش میروند در چنین حالتی هر یک از این گروهبندیها بطور مشخص و ملموس با یکی از جریانات سیاسی داخل جامعه همخوانی و هماهنگیشان داده و حمایت و پشتیبانی خود را در اختیار این جریان قرار میدهند. اما همانطور که گفتیم فعالین آگاه - صریح و مبارزه جو در جنبش دموکراتیک دانشجویان و روشنفکران آنهاست هستند که در جهت خدمت به زحمتکشان جامعه حمایت و پشتیبانی خود را در اختیار سازمان و یا حزب نماینده پرولتاریا قرار داده و می کوشند تا جارجوب فعالیت این جنبش را بر اساس منق دموکراتیک پرولتاریا قرار دهند. از آنجا که انقلاب کنونی ایران یک انقلاب دموکراتیک است و از آنجا که در این انقلاب سرنگونی رژیم بورژوازی وابسته و طرف نفوذ کبیه امپریالیستها مطرح است جنبش دانشجویی و روشنفکری نیز بعنوان بخش تفکیک ناپذیری از جنبش انقلابی بی خلق می باید این شعار را در راس مطالبات سیاسی خود طرح نماید. این ضرورت و خواست تاریخی جامعه تنها با بسیج توده های وسیع کارگران و زحمتکشان و پیوند روشنفکران انقلابی با مبارزات خودبخودی آنها امکان پذیر است این امر بخصوص از آن جهت قابل توجه است که می دانیم پرولتاریا پیگوترین و استوارترین نیروی دموکرات جامعه است و هیچ چیز نمی تواند مانع از آن شود که نه تنها با تمام قوا در انقلاب دموکراتیک شرکت نماید بلکه از نظر سیاسی در رأس آن قرار گرفته و دامنه این انقلاب را تا حدود بسیار وسیعی - وسیع

فاشیستی داده شود و از جمله بناسات که جناح سوسی در این حزب تحت زعامت نپاوندی این عامل بورژوازی - بسته به امپریالیسم تشکیل گردد تا بلکه بتواند عده ای از عناصر منززل و سازشکار بورژوازی لیبرال را به فعالیت در حزب فاشیستی رستاخیز جلب نماید. ولی اوضاع درونی رژیم حاکم بقدری آشفته و ناسامان است که همگسوسن از یکطرف جناح سوسی در این حزب ساخته می شود و از طرف دیگر عده ای صلحت را در آن می بینند که آنرا طرف توده و حساب و کتاب خود را از این حزب فاشیستی جدا نمایند. بی جهت نیست که این روزها شاه خائن نیز چون مار زخم خورده ای بخودی پیچد و خود میداند که دوران سلطه نظام طبقاتی و نفوذ اربابان امپریا - لیستی اش بسر آمده است. اما هموطنان مبارز در شرایط کنونی که رشد خیزشها توده ای ماههای اخیر در ناهای پر شوری از آینده توند بخش جنبش و پیروزی انقلاب دموکراتیک خلقهای ما را در پیش روی کلیه عناصر و نیروهای ترغیبخواه و دموکرات جامعه بخصوص کمونیستها قرار داده است باید همچنان بروی اصول و پرنسب های دموکراتیسم پیگیر پای فشاری کرده و پذیرش آنها را ملاک مبارزه و وحدت خود قرار دهیم. باید هر چه وسیع تر اصول دموکراتیسم پیگیر را تبلیغ و ترویج نموده و در راه تحقق بخشیدن به آرمانها و شعارهای انقلابی آن ثابت قدم و پیشرو باشیم. این شعارها و اهداف اصولی انقلاب دموکراتیک ایران عبارتند از:

- اول - مبارزه علیه امپریالیسم و باند سیاه سرمایه داران وابسته و مزدور حاکم در ایران.
- دوم - سرنگون ساختن رژیم حاکم بوسیله قهر انقلابی توده ها.
- سوم - بر پاداشتن جمهوری دموکراتیک کارگران - دهقانان و سایر زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر.
- چهارم - مبارزه با کلیه جریانهای رفرمیست و تسلیم طلب بویژه آن عناصر سازشکاری که هدفی جز زرد و بند با نظام طبقاتی حاکم و تأمین سلطه امپریالیستها در ایران ندارند.

هموطنان مبارز اینهاست آن اصول و پرنسب های دموکراتیسم پیگیر که برای تأمین منافع تمام خلقهای تحت ستم ایران و همچنین برای تضمین نمودن پایه های یک انقلاب دموکراتیک پیگیر بنفع زحمتکشان و بویژه کارگران می - باید در مد نظر و حساسیت همه ما قرار گرفته و در نهایت کوشش و توان انقلابیمان در راه تحقق بخشیدن به آنها مبارزه کنیم. بنابراین کلیه عناصر و نیروهای مترقی دموکرات و حتی لیبرالهای ترغیبخواه میبایست مبارزات خود را در جهت تحقق بخشیدن به این شعارها شمرکز نمایند. در این رهگذر هرگز رژیم خائن شاه نخواهند توانست با نسک جوسی به مانورهای تبلیغاتی در باب تظاهر به محترم شمردن آزادی های دموکراتیک موجب عوامفریبی و خوش باوری مردم تحت ستم ایران بشود. خلقهای رنجبر ما میدانند که تا این رژیم خونخوار و دزدان بر مسند قدرت است هر گونه آزادی و حقوق انسانی برای آنها معنایی نخواهد داشت. آنها در طول تجرب - بیات عینی و تاریخی خود این حقیقت را درک کرده اند که جز جنایت، زورگویی و چپاول نمی توان انتظار دیگری از این رژیم وابسته به امپریالیسم داشت. زیرا این رژیم ابزار قدرت و چماق سرکوبگر سرمایه داران مزدوری است که علنا در مقابل خلق قرار گرفته اند. این چنین دستگامی هرگز نخواهد توانست آزادی و حقوق حقه مردم را به آنها بازگرداند. چون در اصل ماهیت وجودی این رژیم وابسته به انقیاد توده های خلق می باشد. تنها بارشده کن شدن نظام حاکم و برقراری جمهوری ای که رهبریت آن بدست کارگران - دهقانان و زحمتکشان ایران باشد حقوق اقتصادی اجتماعی و سیاسی خلقهای تحت ستم ایران تأمین خواهد شد.

ای پسرجم انقلاب،
بپذیر در سایه خویش کهنران را
ای کوکب سرخ روشنی بخش،
از جلوه خویش خرابان را
ای بسوق سرخ پرده بشکاف
فرصت مده این توانگران را
ای داس دهاتیان هشر کن
گردن بسزن این بد اختران را
از دست نژاد کلاه بردار
تاج نسر این سبکبران را
ای رنجبر دلیل بر خیز
انشاره سر نه این خیره سران را

توطئه رژیم در جهت ایجاد تفرقه بین مذهبیون انقلابی و کمونیستها

هوطنان مبارز، کارگران و زحمتکشان ایران، درود بر شما!

ما در برنامه امروز خود قصد داریم به افشای کوششهای رژیم فقه خلقی شاه خائن در جهت ایجاد تفرقه بین صفوف نیروهای مبارز خلق و از همه صختر بین مذهبیون انقلابی و کمونیستها بپردازیم. هدفناست که رژیم وابسته به امپریالیسم ایران از طریق ارگانهای تبلیغاتی خود از یکطرف به انتشار مقالاتی بخاطر ایجاد خصومت و تضاد آتش ناپذیر مابین مارکسیستها و انقلابیون مذهبی پرداخته و از طرف دیگر با علم کردن مضمرفین مارکسیسم و مرتجعین مذهبی قصد تخطئه نمودن مبارزات و آرمانهای انقلابی مارکسیست - لنینیست ها و مذهبیون شرقی را دارند. خلا حدود نه ماه پیش رژیم با براه انناختن يك کارزار تبلیغاتی سعی شد که دینشجویان پسر مذهبی استفاده از خوابگاه و سلف سرویس را برای دانشجویان دختر تحریم نموده و برای عملی کردن این قصد خود به دختران دانشجو حمله کردند. رژیم در شرایطی دست به این کارزار تبلیغاتی زد که دانشجویان دختر و پسر دوش بدوش یکدیگر به مبارزه علیه سلطه گارد مزدور در محیط دانشگاه و همچنین افشای ماهیت وابسته به امپریالیسم رژیم سیاه پهلوی برخاسته اند. همچنین عمل رژیم بلافاصله بنام روحانیت و مذهب مبارز به بخش این شایعه پرداختند که چنانچه زنبا بدون جادر از خانه بیرون بروند بروی آنها اسید پاشیده می شود. از آنجا که رژیم از اجرای بشرمانه ترین توطئه ها برای رسیدن به اهداف بلند خود باکی ندارد مزدوران خود را بسیج نمود و حتی در چند مورد عمل اسید پاشی را اجرا نمودند تا رعب و وحشت را زیادتر کرده و با جلوگیری از اتحاد دختران و پسران مبارز مذهبی و غیر مذهبی ذهن توده ها و خانواده های زحمتکش را نیز از توجه به فارتگرها و سرکوب برحمانه جنبش انقلابی سازد. و خشم ناشی از این وحشت را نیز توجه مبارزان مذهبی بنماید رژیم میکوشد تا از طریق براه انداختن تظاهرات و برنامه های ساختگی در رادیو - تلویزیون و روزنامه های وابسته به خود "صحت" شایعات پراکنده شده را تقویت نماید. رژیم با به سر زبان انداختن خطرسر اسید پاشی بر روی دختران و زنان بی چادر میخواست از پیوستن زنان و دختران آگاه و مبارز به میدان عمل انقلابی و همدوسی با مردم جلوگیری بعمل آورد. در حقیقت طراحان رژیم میخواستند با بوجود آوردن این ترس ذهن زنان مبارزمیو را نسبت به انقلابیون بدبین کرده و آنها را به خانه نشینی و کارگیری از مبارزه تشویق نمایند. رژیم همچنین میخواست بر علیه نیروهای انقلابی چنین تبلیغ نماید که آنها دارای اهداف عقب مانده ای بسوده و میخوانند زنان و دختران را در روابط عهد عتیق نگاهدارند و با محدود کردن آنان در چارچوب حجاب و خا - نه نشینی آزادی را از آنان بگیرند، در نالیکه ما حامی واقعی آزادی و برابری زن هستیم. دانش - آموزان دختر دبیرستانهای تهران در تاریخ ۲۵ اسفند ماه گذشته طی اعلامیه ای پرده از روی این توطئه برداشته و آنرا افشا نمودند. آنها ضمن آگاه نمودن دختران دانش آموز درباره این حمله ها چنین نوشته اند: "ما دانش آموزان دختر دبیرستانهای تهران احترام و همبستگی عمیق خود را به مبارزه طی در راه سرنگونی این رژیم فساد و فحارت و جنایت اسلام میکشیم و پشاپش هرگونه تلاش مذبحخانه رژیم در جعل اعلامیه و تظاهر - ات ساختگی بنام دختران دانش آموز را بدین وسیله تکذیب و رسوا میکنیم." وحشت دستگاه حکومت از اینکه می بیند روحانیت مبارز و شرقی همدوش با سایر انقلابیون دمکرات و کمونیست ایران در یک صف قرار گرفته و بر - ای سرنگونی این رژیم وابسته به امپریالیسم متحدان به مبارزه پرداخته است موجب شده است دست به تاپامه پراکنی ها و پخش بی شرمانه تحریفاتی بزند تا بلکه در این صفوف متحد تفرقه و جدایی بیاندازد. اما زنان و مردان زحمتکش ایران با مبارزات قهرآمیز خود و بخصوص در ماههای اخیر این نقشه های رژیم مزدور شاه را رسوا ساخته و نقش بر آب کرده اند. شاه خائن در روزهای ۹ و ۱۰ خردادماه گذشته درست چند روز قبل از

تر از هر نیروی دموکرات دیگر در جامعه - گسترش دهد بر همین اساس عناصر و هسته های ماکیست - لنینیست فعال در جنبش روشنفکری - دانشجویی میهن ما خود بعنوان حامل معرفت سوسیالیستی نقش مهمی در رنگ گیری و ست دهی جنبش جوانان و روشنفکران و دانشجویان دانسته و ارتباط تشکیلاتی آنان با سازمان یا حزب نام - پنده بولتاریا شرط لازم و تعیین کننده ای برای سمت گیری دقیق این جنبش حول شعارهای اصلی انقلاب برای تبلیغ و تحکیم مثنی انقلابی کمونیستی و گسترش مارکسیسم - لنینیسم در میان این نیروها بشمار میرود. به همین جهت حائز اهمیت است که امروز در شرایطی که تبلیغ و تدارک انقلاب - تبلیغ و ترویج شعار سرنگونی رژیم حاکم وابسته ایران و استقرار جمهوری انقلابی دموکراتیک خلق در دستور کار نیروهای مبارز قرار گرفته است ما نهاد آن هستیم که دانشجویان و روشنفکران دموکرات جامعه در تظاهرات قهرآمیز خود علیه رژیم حاکم ایران و برای نام - بردی آن شعار میدهند و با اتخاذ تاکتیکهای جدید تظاهرات خود را به میان مردم گشاییده و موسسات و مجامع امپریالیستی و بانکها و موسسات سنگر دولتی را مورد حمله قرار میدهند. بعنوان مثال حمایت های دانشجویان پیشرو از مبارزات مردم خارج محدود به وسیله پخش اعلامیه و سپس کار آگاهگرانه در میان توده های دانشجو در باره مظالم و ستمهای که بر توده های زحمتکش شهرها و ساکنان خارج محدود وارد میشود بنویسه جالب توجهی از این فعالیناست. اعلامیه های مرتب که از اوایل آبان در دانشگاه تهران در رابطه با حمایت دانشجویان از مبارزات مردم خارج محدود منتشر گردید و اعلامیه هایی که در رابطه با مسائل کارگران روزحمت - کشان در ۱۱ مهرماه ۱۳۵۶ توسط دانشجویان انقلابی دانشگاه تهران از میدان ۲۴ اسفند در امتداد خیابان آریزهاور پخش شد با کشاندن مبارزات و تظاهرات دانشجویی به محلات توده ای، به جلوی کارخانه ها یعنی ادامه و تکامل تاکتیک جدیدی که بخصوص از آذر ماه ۵۳ توسط دانشجویان دانشگاه تهران و سپس درخورداد ۴۰ توسط دانشجویان دانشگاه تبریز و آنگاه دانشجویان اکثر دانشگاه ها پیاده شد از جمله این اقدامات و فعالینها می باشد. در شرایطی که رژیم دست نشانده شاه جنایتکار روز بروز بر شدت سرکوب و خفتان خود می - انزاید و دیکتاتوری فاشیستی و ستم بیحد اقتصادی خود را هر روز با شیوه های مزدوران تری توام میسازد خلق ما و تمام نیروهای انقلابی و دموکرات و آزادیخواه جهان شاهد مبارزات تداوم یافته و تظاهرات توده ای دا - دانشجویان مبارز ایران در شهرهای گوناگون در محافل و مجامع علمی و هنری در دانشگاه ها و دانشگاهها و راه باز هم گسترده ترستن طولانی مبارزات آزادیخواهانه آنها علیه رژیم حاکم شاه و باند سرمایه داران وابسته به امپریالیسم می باشند. امروز روشنفکران و دانشجویان دموکرات ما با مبارزه گسترده خود علیه رژیم حاکم ایران با مبارزه قهر آلود و تلاطم یافته خود علیه مزدوران و گارد پلیس با خرد کردن موسسات وابسته و مزدورامپریالیست با طرح شعارها و مطالبات دموکراتیک و همچنین با نشان دادن هماهنگی و پیوستگی سیاسی و عملی مبارزات - خود با مبارزات انقلابی توده های زحمتکش خلق و با کشاندن صحنه این مبارزات از محدوده محافل و صحن دانشگاهها به خیابانهای جلوی کارخانه ها و محلات توده ای نشان میدهند که حقیقتا از مواضع استوار دموکرات - تیسم انقلابی حرکت نموده و از آگاهی سیاسی و روحیه انقلابی قابل توجهی برخوردارند. مخصوصا تظاهرات ۲۲ و ۲۵ آبانماه گذشته دانشجویان در مقابل دانشگاه صنعتی - تظاهراتی که به حمایت فعال مردم کوجه وخیابان دیگری از سرزندگی و شادابی انقلاب در میهن ما به عنوان نمونه بارزی از برآمد موج انقلابی در سطح جا - معه ایران انعکاس پیدا کرده است. این تظاهرات مخصوصا از آن جهت دارای اهمیت بود که تنها به عده گیری از نیروهای آگاه و روشنفکر جامعه محدود نمی شد بلکه مردم کوجه و بازار، کارگران و زحمتکشان شهر نیز فعالانه با حمایت معنوی و مادی خود از این تظاهرات و شعار " مرگ بر این حکومت فاشیستی" استقبال کرده و مشتاقانه به کمک معدومین و مجروحین شتافتند. برآستی که اوچگیری این مبارزات پیشرو و تداوم یافته و توده ای منعکس کننده خواستها و تمایلات طبقات زحمتکش و دموکرات جامعه یعنی بولتاریا - دهقانانو تود - ده های مبارز شهری می باشد. هوطنان مبارز در ماههای اخیر همزمان با رشد و گسترش امواج تظاهرات و اعتراضات پر شوکه شما بار دیگر در عمل ثابت گردید که جنبش دانشجویان و روشنفکران انقلابی ایران به درستی در پیوند و ارتباط فترده با جنبش زحمتکشان جامعه قرار دارد و در واقع خود نوید بخش دورنماهای پیشروی از اعتلا و رشد جنبش دموکراتیک و انقلابی در ایران می باشد.

گسترده تر باد همکاری - هماهنگی و تماس مستقیم دانشجویان مبارز و روشنفکران دمکرات با جنبش توده های

تحت ستاره سوسیالیسم



سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به زیارت مشهد رفت تا به اصلاح خود را عادل و مسلمان نشان دهد . شاه در این سفر دست به تبلیغات وسیعی مبنی بر اینکه او و خانواده اش احساسات مذهبی داشته و به شاعر اسلام احترام میگذارند زد و گوشید تا خود را طرفدار و مدافع مذهب قلندار نماید . همزمان با این سفر روحانیون خود فروخته و آخوندهای درباری در باب انتقادات " پاک " و " خالصانه " شاه قاسم و تسبیحکار تبلیغات بسیاری برآوردند . آنها بدین طریق میخواهند مرز میان مذهب شرقی و ارتجاعی را که در طی

جائزه ای طولانی و آتش ناپذیر با خون کشیده شده است مخدوش ساخته و ذهن جازرین مذهبی را منحرف سازند . آنها حتی سعی میکنند تا با کار آمدن و مرد نمودن بعضی از رهبران محافظه کار مذهبی این نقشه خائنه خود را عملی سازند . شاه خائن بهشترانه در صاحبه ای که در پایان سفر خود به خراسان ترتیب داد به مذهب شرقی حمله نمود و رهبران جائزه جو و انقلابی آنرا تحقیر کرد . ولی نیروهای انقلابی ایران هرگز فراموش نمی کنند که چطور روحانیون جائزی مانند آیت الله سعیدی و آیت الله ففاری در زیر شگجه های قرون وسطایی نژاد پرستان قهرمانانه استقامت کرده و حاضر نشدند که مخلق زحمتکش میهن خود پشت کنند .

همچنین مسلمانان جائزی چون آیت الله طالقانی و آیت الله منتظری که در شگجه گاههای رژیم و در تبعید گاهها سرسخانه بر مواضع استوار خود بر علیه رژیم شاه و اربابان امپریالیستی اثر ایستاده لحظه ای در این راه تامل ننمودند ، نمونه های برجسته ای از مقاومت و جائزه آشتی ناپذیر روحانیون جائز ایران هستند . هوطنان جائز رژیم بغیوس از اهمیت و عظمت اتحاد نیروهای خلق اطلاع دارد و بدین جهت برای خنده دار ساختن این اتحاد به هر توطئه و نیرنگی توسل میشود . اکنون مدتی است از طریق ایدئولوگها و روشنفکران وابسته به خود وارد عمل شده و به کمک ارگانهای تبلیغاتی خود دست به تحریف تاریخ مبارزات قهرآمیز توده های ستم کشیده و عقاید رهبران آنان در سایر کشورها زده است تا بلکه از ایدئولوژی مارکسیسم و آرمانهای انقلابی آن در ذهن توده های زحمتکش چینی بسازد که دیگر نتوان از آن بعنوان جهان بینی انقلابی طبقه کارگر نام برد . رژیم با وحشت از آگاه بودن به این حقیقت که در طول تاریخ جنبش کارگری همواره مارکسیسم —

لنینیسم هدایت کننده جنبش های رهایی بخش و دموکراتیک بوده و همیشه مبلغ مبارزه و اتحاد مشترک بین طبقه کارگر و سایر اقشار و طبقات انقلابی بوده است مذبحخانه میگویند تا مذهبیون . جائز را بر علیه کونستپها بشنوند . این است که میخواهد با ارائه انحرافات و تحریفات عدیده ای به اصطلاح ثابت نماید که کونستپها دشمن سر سخت مذهبیون تریخواه هستند . طراحان و مبلغان جنایتکار رژیم مزدور شاه خلقی " پدران " و " غیرخواهانه " به روحانیت مبارز هشدار میدهند که از اتحاد و همکاری با کونستپها بر حذر بمانند .

سخن گویان و ایوانان رژیم وابسته به امپریالسم شاه خیلی دلشان میخواهد که کونستپها را از صفوف مبارزات دمکراتیک و انقلابی خلقهای تحت ستم ایران طرد کنند . آنها از آزادیهای انقلابی کمونیستها که خواهان محور اشتراک فرد از فرد و سرکشی سر سخنانه امیال حرصانه و آرزودانه سرمایه داران غارتگر بوی و بین المللی هستند وحشت دارند . از این رو برای اینکه بتوانند به حیات کیفی و انگلی خود ادامه دهند به هر توطئه ای علیه آنها توسل میشوند . این است که گفتیم میخواهند مذهبیون جائز را بر علیه مارکسیستپها بشنوند .

اما توده های مسلمان جائز و شرقی در طول تاریخ مبارزات خود ثابت کرده اند که دریائی از کینه و نفرت بین آنها و رژیم وابسته به امپریالسم حاکم بر میهن ما فاصله وجود دارد . مخالف آنها و کلیه خلقهای تحت ستم ایران هیچ نقطه مشترکی با مافع رژیم پهلوی و اربابان خارج آن ندارند و نخواهد داشت . هم اکنون توده های زحمتکش ایران دوشیدوش بگدرگ تحت رهبری نیروهای جائز مذهبی — دمکرات پیگیر و کونستپها به جائزه قهر — آلود و آشتی ناپذیری بر علیه نظام طبقاتی حاکم برخاسته اند این مبارزات هرچه گسترده تر و پیروز شدانه تر باشد !

هوطنان مبارز کارگران و زحمتکشان ایران درود بر شما !
در گذار امروز خود ، بودجه سال جاری را که در اواخر سال گذشته توسط دولت ارتجاعی رژیم وابسته به امپریالسم شاه خائن طرحریزی و تصویب گردید مورد بررسی قرار میدهم . بررسی آمار و ارقام موجود در بودجه از آن جهت قابل توجه است که می تواند به بهترین نحوی ما را در جریان برنامه ها سیاست های اقتصادی — اجتماعی و نظامی حاکم قرار دهد . داشتن یک دید صحیح از این طرحها برای شناختن ماهیت واقعی اقدامات دشمن و در نتیجه برای افشا نمودن دقیق تر این افراد ضد خلق امری است لازم و ضروری . (۱۰۰۰۰) و تحلیل بودجه هایی که در نظامهای طبقاتی از سوی دولتپا طرحریزی میشود بخصوص ماهیت واقعی این رژیمها را به ما نشان داده و روشن می نماید که چه خط مشی ای در تنظیم این بودجه ها اتخاذ شده و نهایتاً در خدمت اهداف و نیازهای چه اقشار و طبقاتی از جامعه می باشد .

اکنون میبزرین جوانب بودجه سال جاری را مورد بررسی قرار میدهم . شاید بارها از طریق ارگانهای تبلیغاتی رژیم شنیده باشید که طراحان اقتصادی دولت بودجه اسامال را بودجه ضد توری نامیده اند . آمو زگار گفته است که مهار تورم تثبیت اوضاع نامسامان اقتصادی و در یک کلام فرونشاندن بحران فلج کننده اقتصادی بحرانی که نرخ تورم آن حدود ۳۳٪ بوده است جزو اهداف این بودجه می باشد . اما ببینیم که این هدف چگونه و به چه بهائی دنبال شده است . حدود تورم با آن شتاب و مقداری که در ایران وجود دارد به معنای گرانی سریع و افزایش طاقف فرسای ارزاق عمومی و چند برابر شدن هزینه زندگی در مدتی کوتاه می باشد . رژیم ارتجاعی حاکم در ایران به بهانه اینکه ازدیاد درآمد سالانه یعنی بالا بودن سطح دستمزدها عامل بود وجود آورنده تورم است گوشید تا علیرقم افزایش قیضها از افزایش سطح دستمزدها جلوگیری به عمل آورد . به عبارت دیگر رژیم سرمایه داری حاکم در ایران با متمسک قرار دادن این متنگ که انفجار مصرف یعنی افزایش بیش از حد تقاضای خرید در مقابل کمبود عرضه کالاهای مصرفی موجب بروز تورم یعنی افزایش سریع قیضها شده میگویند تا با توسل به سیاستهای انقباضی قدرت خرید توده های خلق را کاهش دهد . بدین ترتیب است که بار سنگین بحرانهای اقتصادی رژیم مستقیماً بدوش زحمتکشان جامعه منتقل میشود در صورتیکه بروز بحرانهای اقتصادی که به صورت تورم و یا رکود ظاهر میشوند یکی از عارضه های علاج ناپذیر سیستم اقتصادی سرمایه داری است . ویل و طمع بی حد و حساب انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران کمبود ایران ، رسیدن به سود بیشتر موجب میگردد که سنگین بار این بحرانها مستقیماً بدوش تیره های مولده یعنی کارگران — دهقانان و سایر زحمتکشان

منتقل گردد . آنها هرگز حاضر نیستند که از میزان سودهای کلان و تصاعدی خود بکاهند . به همین جهت است که در بودجه سال جاری کوشش به عمل آمده که از طریق افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بار سنگین بحران و تورم اقتصاد ناموزون و ورشکسته سیستم بر روی توده های وسیع خلق سرشکن گردد . آموزگار علناً به هنگام طرح مفاد بودجه سال جاری بدر مجلس اعلام نمود که این بودجه نشان میدهد که دولت تصمیم گرفته است از طریق افزایش مالیاتیه به این هدف برسد . طبق آمار و ارقامی که بطور رسمی از طرف دولت منتشر شده اند در سال جاری ۱۹۳ میلیارد ریال بیش از سال قبل مالیات در یافت می شود . این بدان معنی است که ۱۱۴ میلیارد ریال از هزینه گ بودجه اسامال از طریق مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم تامین می شود . این مقدار از مالیات ۴۶٪ بیشتر از مقدار مالیات دریافت شده در سال گذشته و ۷۸٪ بیشتر از مقدار مالیات دریافت شده در اسامال پیشین است . پس در سال جاری ۱۹۳ میلیارد ریال بیشتر از سال گذشته از مردم طلبیات

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه



علل تشکیل حزب فاشیستی " رستاخیز " و بحران کنونی آن (بخش اول)

هوظنان مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران، درود بر شما!

در هفته های اخیر بحران جدیدی در بهترین ارگان سیاسی رژیم مزدور شاه یعنی در حزب فاشیستی رستاخیز ظهور کرده است . تخصصین و کارشناسان رژیم از یکطرف برای جلب رضایت عده ای از لیبرالهای سازشکار و تسلیم طلب رنگ و جلای تازه ای به آن زده و اقوام به تشکیل جناح سوسی در این حزب فاشیستی کرده اند و از طرف دیگر عده ای از عناصر دور اندیش طبقه حاکم مصلحت را در آن دیده اند که حساب کار خود را از این حزب منفور و طرد شده در نظر توده ها جدا کرده و مستقل به فعالیت بپردازند . در برنامه امروزه زعل تشکیل این حزب فاشیستی و سیاستی را که باند سپاه شاه و سرمایه داران وابسته به او از ایجاد آن تعقیب میکنند مورد بررسی قرار میدهم .

حتما بسیاری از شما بیاد دارید که شاه مزدور در ۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۳ طی يك گفتوای مطبوعاتی دستور لغو احزاب فرمایشی سابق و تشکیل حزب رستاخیز را صادر کرد . او در این سخنرانی خود خطاب به نمایندگان احزاب و روزنامه نگاران چنین اظهار داشت " عده ای از شما که گفتم مومن هم هستید طبق تقسیم خود ما در واقع رل اقلیت وفا دار را بازی میگردید . بازی کردن رل اقلیت وفادار در این مملکت خیلی مشکک است چون این رل اصلا قابل بازی کردن نیست " . این گفته شاه در آن زمان از آن جهت قابل توجه بود که او تا قبل از آن هواره تظاهر بوجدود دموکراسی چند حزبی در ایران میکرد و وجود چند حزب فرمایشی از نوع " ایران نوین " و " مردم " را مستحکی برای توجیه این تبلیغات افوا گرانه خود قرار میداد . او حتی در کتاب خود موسوم به " مأموریت برای وطن " در این باره چنین نوشته بود " فاشیستها تنها بیک حزب سیاسی اجازه وجود میدهند و هرگز نخواهد حزب دیگری تاسیس کند یا بر خلاف حزبی که سر کار است سخنی بگوید به احتمال قریب به یقین دچار تعقیب و اضطلال خواهد شد . از سال ۱۳۳۶ من با علاقه وافری از فکر تشکیل دو حزب اکثریت و اقلیت پشتیبانی کرده و آن فکر را به مرحله عمل در آورده ام . هرگز مایل باشم بدون هیچ پروا و معطلی به تشکیل حزب جدیدی اقدام کند . من چون شاه کشور مشروطه هستم دلیلی نییستم که مشرف تشکیل احزاب نیاشم و مانند دیگران تنها از یک حزب دست نشانده خود پشتیبانی نمایم " . اما ببینیم که چه عوامل موجب شد که شاه ناچار شد به غیر قابل بازی کردن رل اقلیت در ایران اعتراف کند و تصمیم به انحلال احزاب فرمایشی گرفته و مانند سایر دیکتاتورها و فاشیستهای تاریخ تنها به حزب دست نشانده خود اجازه فعالیت سیاسی بدهد . ضد انقلاب میخواست تا بدین طریق خود را برای حفظ و حراست از منافع سرمایه داران غارتگر داخلی و خارجی و برای مقابله با جنبش انقلابی خلقهای تحت ستم ایران آماده و بسیج نماید . در تمام طول تاریخ انتخاب سیاستهای خشنونت بارتر سرکوب هواره از سوی حکومتهاى مرجع و بوسیده ای صورت گرفته که دوران بقا و دوامشان بسر آمده . آنها برای اینکه چند صباحی بیشتر به موجودیت خود ادامه دهند به آخرین تلاشهای مذبحانه یعنی شیوه های تیر و دامغان اعمال منطبق سر نیزه متوسل میشوند . شاه مزدور هم میخواست بدین ترتیب نیروهای خود را برای مقابله با جنبش رو به اعتلای انقلابی بسیج کرده و ضمن تقویت عقاید و تبلیغ افکار فاشیستی پایه های در میان مردم برای سلطنت منفرد و لرزان خود بوجدود آورد . رستاخیز شاه حرکتی بود برای هرجه بیشتر سلطنتی و هرجه بیشتر مطلق کردن نظام نوپای سرمایه داری ناموزون و وابسته به امپریالیسم ایران . بدین ترتیب خود کامگی سلاطین دوران عهد عقیق همراه با ویژه گیهای خاص آسایشنازه آن همچون داغ باطلی بر پیشانی سیستم سرمایه داری ناقص الخلقه ایران خورد و گله ادعاهای دموکراسی سابقه سازانه رژیم و حتی آبرو و شرف کاذب لیبرالیسم تاریخی بورژوازی سازشکار و سلطنت را هم فرو ریخت . دیگر حتی سلوک لیبرالها و فرمستهای بی آزار هم از معنای واقعی حکومت دور و اجتناقی بود . شاه در سخنرانی ۱۱ اسفند ۵۳ خود در این باره گفت " ما باید صفوف ایرانیان را تشنگ روشن و تمیزا هم جدا یک کنیم . کسانی که به قانون اساسی و نظام ناهنناهی و

در یافت خواهد شد . اما نکته جالب تر در اینجاست که از گل این مقدار مالیاتی که می باید دریافت گردد تنها ۲۷۶ ملیارد ریال آن بطور غیر مستقیم دریافت می شود . علت اهمیت این موضوع در آن است که افزایش مالیاتها و بخصوص افزایش مالیاتهای غیر مستقیم . مستقیا به زبان توده های وسیع خلق تمام می شود .

ملکود مالیاتهای غیر مستقیم به این ترتیب است که رژیم با ازدیاد مالیاتهای که بر ارزاق عمومی و کالاهای اولیه مانند قند - چای - برنج - گوشت - لبنیات - پارچه و غیره می نمود مستقیا موجب محدودیت قدرتمند توده های فقیر و بعبارت دیگر دریافت سهم بیشتری از در آمد ناچیز آنها می گردد . به همین جهت است که میگردیم ازدیاد مالیاتها بطور مستقیم فشار بحران و توزیع اقتصادی را بر دوش افراد و طبقات زحمتکشان جامعسه سرشکن می نماید . طبق آماري که در کیهان ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۶ منتشر شده صرف کنندگان کالاهای وارداتی حقوق بگیران صاحبان مشاغل و اصناف جمعا ۳۲۱/۸ ملیارد ها ریال مالیات خواهند پرداخت . در صورتیکه شرکتهاى خصوصی و دولتی تنها ۱۴۳ ملیارد ریال مالیات می پردازند . این خود بدان معنی است که در سال جاری توده های کارگر دهقان و اقشار متوسط شهری جمعا حدود ۲/۵ برابر بیشتر از سرمایه داران بخش خصوصی و دولتی مالیات خواهند پرداخت . همچنین طبق آمار منتشره در همین شماره از کیهان در سال جاری میزان مالیات بر ثروت نسبت به سال گذشته ۸٪ کتر خواهد شد . این نکته نیز بخوبی نشاندهنده حمایتی است که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن از انباشت ثروت در دست عده ای محدود از سرمایه داران موجود در طبقه حاکم بعمل میآورد . اکنون ببینیم بودجه ای که بسط بین طریق از در آمد ناچیز توده های زحمتکش و همچنین به کمک غارت و تاراج منابع زیر زمینی و بخصوص نفت تهیه میگردد صرف چه امورات و اهدافی میگردد .

رژیم مزدور شاه برای حفظ منابع اربابان امپریالیستی خود بخشی عظیم از این بودجه را صرف ارتش - پلیس و ساواک میکند تا ضمن سرکوب مبارزات حق طلبانه خلقهای تحت ستم ایران به عنوان زاندارم امپریالیسم در منطقه به پاسداری منابع و سلطه غارتگرانه امپریالیستها بپردازد . طبق آمار منتشره در اطلاعات ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۶ در سال جاری بودجه ای معادل ۷۰ ملیارد تومان برای ارتش در نظر گرفته شده است که کلا ۱۳٪ از کل بودجه را شامل میشود . البته این مبلغ گزافی که صرف امور " دفاعی " کشور می شود از کل هزینه های سرسام آور بگه برای گرداندن ابزار سرکوب بکار گرفته می شود بسیار کتر است . طبق آمار رسمی که از طرف دولت انتشار یافته مجموع بودجه ای که برای امور دفاعی - حفظ امنیت داخلی و اجتماعات در نظر گرفته شده بسیار بیشتر از مجموع بودجه هایی است که برای تامین مسکن ، بهداشت ، آموزش و پرورش ، درمان و تغذیه و سایر امور عام المنفعه اختصاص یافته است . کیهان ۱۶ بهمن ۱۳۵۶ اعتبار کل این بودجه ها را برابر با ۲۶۱ ملیارد تومان دانسته است . حال آنکه گفتم تنها بودجه دفاعی برابر با ۷۰ ملیارد تومان است . هوظنکشان

مبارز بررسی دقیقتر آمار و ارقام موجود در بودجه اصل مستلزم دقت بیشتری است اما در همین مختصر تحلیلی که ارائه گردید اهمیت واقعی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه و سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی آن بخوبی بسی نمایان است . بنابراین بودجه اصل دولت آموزگار نیز مانند بودجه های که در سالهای گذشته توسط دولت هویدا تهیه می شد بر پایه غارت منابع خلق و استثمار توده های زحمتکش ایران طرح ریزی شده است .



علل تشکیل حزب فاشیستی "رستاخیز" و بحران کنونی آن (بخش دوم)

هوظنان مبارز ، کارگران و زحمتکشان ایران ، درود بر شما!

در برنامه گذشته شمایی کلی از علل تشکیل حزب فاشیستی رستاخیز را ترسیم نمودیم . در گفتار امروز این بحث را جمع بندی کرده و به پایان می‌رسانیم . گفتیم که تشکیل حزب فاشیستی رستاخیز وجه دیگری از تشدید دیکتاتوری و خفقان رژیم مزدور حاکم در ایران بود که دیگر حتی کوچکترین حاشی برای لیبرالها و قانون اساسی خواهان رفرمیسم باقی نگذارد . شاه و رژیم مزدور بدین ترتیب آشکارا و با وقاحت تمام طرح فرمانبرداری و برده ساختن کامل ملت ایران را اعلام کردند . طرح تشکیل حزب رستاخیز چیزی نبود جز یک سیستم سیاسی متمرکز در جهت تأمین نیازهای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ایران . هدف از تشکیل حزب رستاخیز چیزی نبود جز یک طرح پلیسی-امپریالیستی که خفقان، بیشتر و سرکوب خونین تر و بردگی بیشتر را برای خلق های تحت ستاد ایران در نظر داشت. حزب رستاخیز چیزی نیست جز یک دستگاه عریض و طویل تقیض عقاید ، جز تجلی آشکار دیکتاتوری سیاه پهلوی که دیگر حتی ماسک سخره دموکراسی پارلمانی را هم بر چهره ندارد . حزب رستاخیز اکنون نیسیز که ارتجاع میخواست بکند آن ضمن اعمال خشونت و مطلق زور با توسل به تبلیغات و عوامل فیشی های ضد انقلابی پایه هایی در میان مردم برای نظام متزلزل و منفرد خود بوجود آورد . اینکه شاه توانست در ۱۱ اسفند ماه ۴۰ با یک نطق سر هم بندی شده طومار حیات همه احزاب موجود در ایران را یکپاره در هم بپوشد چه چیزی جز پوختگی بودن ، جز فرمایشی بودن و جز سخره بودن این احزاب را می‌رساند . جالب اینجاست که سرمداران همین احزاب فرمایشی فقط بعد از یک نطق دو ساعته خودشان به سخره خودشان پرداختند و ابراز تعجب می‌کردند که چگونه توانسته اند تا این مقدار به این بازی سخره یعنی بازی کردن رل اکثریت و اقلیت وفادار ادامه دهند . از یکطرف رشت و اعتدالی نوید بخش مبارزات همه جانبه توده های زحمتکش و از طرف دیگر خطر شدید تر شدن اختلافات و تضادهای درونی سیستم طبقاتی حاکم و در نتیجه خطر جاری شدن سیل خروشان جماعت رزات قهرآمیز خلق در میان منافذ و شکافهای که خود در وهله اول در اثر همین مبارزات در اتحادنامه سن باند های مختلف هیئت حاکمه بوجود آمده بود کارشناسان امپریالیستی رژیم را به فکر ایجاد حزب فاشیستی رستاخیز بعنوان ارگان متمرکز ضد انقلاب و اهرم سیاسی - تشکیلاتی نظام سرمایه داری وابسته برای کنترل و سرکوب خشونت بارتر هرگونه صدای حق طلبانه انداخت . اینکه شاه مزدور اعلام نمود که هیچگونه بی طرفی رانحمل نخواهد کرد . یا می باید اصول "سه گانه این حزب فاشیستی را پذیرفت و به عضویت آن در آمد و یا کارویگسار امروز سیاسی سلطنت نداشت نشاندهنده این بود که دشمن خود به مرز بندی بین صفوف خود و صفوف خلق برده داختم و هیچ ساحل امنی و هیچ راه وسطایی برای چنین نیروهایی باقی نگذاشته . او اقرار صریح بردگی و بندگی را بی طلبید و هر موضعی جز این را دشمنانه قلمداد میکند . بنابراین ، این دیگر تنها انقلاب نبود که صفوف خود را مشخص میکرد بلکه اینک ضد انقلاب نیز به مرز بندی بین خود و خلق پرداخته بود . اما رشت و توسعه مبارزات انقلابی توده های خلق موجب شد که رژیم مزدور شاه ناگزیرا وادار به عقب نشینی شده و حرف از اعطای آزادیهای بیشتر و محیط باز سیاسی بزند . شاه خائن که در گذشته علنا مخالفین بی آزار خود را نیز تهدید به زندان و اخراج از سلطنت میکرد . اکنون مدتی است که مصومانه مدافع حقوق بشر و فعالیت آزاد سیاسی شده است . شکست مفتوحانه برنامه های ضد خلقی حزب فاشیستی رستاخیز به جای می‌کند که شاه در صاحبیه مطبوعاتی ۲۴ اردیبهشت ماه گذشته رسماً از فعالیتهای جناحهای موجود در آن ابراز ناخرسندی میکند . بلافاصله مجیدی و انصاری هماهنگ کنندگان جناحهای "پیشرو" و "سازنده" از کار بر کنار میشوند . عده ای از نمایندگان نیز تحت رهبری پزشکین سلامت را در آن می‌بینند که این حزب را ترک کرده و مستقلاً به فعالیت خود ادامه

انقلاب ششم بهمن عقیده دارند و کسانی که ندانند ، آنها بیکه دارند من امروز این پیشنهاد را می‌کنم که برای اینکه رودرپاستی در بین نباشد یک تشکیلات جدید را پایه گذاری کنیم و اسم آنرا رستاخیز ایران یا رستاخیز ملی بگذاریم " بدین ترتیب رژیم فاشیستی شاه علنا اعلام داشت که در برابر مبارزات روگسترش توده ها حتی بیطرفی را هم تحمل نمیکند یا میباید موافق بود یا مخالف . موافقین باید عضو حزب فاشیستی رستاخیز شوند و مخالفین هم طبق ادعای خود شاه یا میبایست "اسپورتیتهایشان را بگیرند" و از سلطنت خارج شوند و یا توتعی نداشته باشند که در امور سیاسی به بازی گرفته شوند . شاه در همین سخنرانی خود به کتابه به مخالفین لیبرال و رفرستی که در چارچوب نظام طبقاتی حاکم در بی اعطای آزادیهای " ملوکانه " می‌باشند گفت " ما یک نغمه های حقیقتا خجلت آوری می‌شنویم که اصلاً از یک نفر ایرانی قابل انتظار نیست " . منظور شاه از این جمله این بود که هیچگونه ابراز مخالفتی حتی در چارچوب احزاب فرمایشی قابل قبول نیست . بیشک در آن شرایط نسبتاً مساعد تر برای اعمال دیکتاتوری یک جانبه و قدر نشانه منطق شاه مزدور در سرخوردن به نغمه های تظلم جویانه لیبرالهای سازشکار چیزی نمیتوانست باشد جز اعمال خشونت و تضییع حساب خشن تر از طریق جلم کردن حزب رستاخیز . بیجهت نبود که تشکیل این حزب مدت کمتر از چند ماه بعد از شدت یافتن تضادهای درونی هیئت حاکمه که بصورت مشاهدات و برخوردهای تند میان نمایندگان احزاب " ایران نوین " و " مردم " در مجلس بالا گرفته بود اعلام گردید . این جنگ و جدالیهای درونی هیئت حاکمه بر سر نحوه اجرای قانون انتخابات سیاستهای صنعتی و کشاورزی و همچنین جنگجویی استفاده و تقسیم درآمدهای حاصل از نفت بجای کشید که سر انجام موجب برکناری عماری دبیر کل حزب مردم و بالاخره کشته شدن او شد . بنابراین شاه که همواره از این بیم داشت که مجاد دولت و مجلس بیدان تاخت و تاز و کشمکش افشار و جناحهای مختلف طبقه حاکمه مبدل گردد و احزاب فرمایشی و دست نشانده و میدانگاه رقابتهای عناصر بورژوا ملک سرمایه داران بخش خصوصی و سرمایه داران وابسته به باند دربار بدل گشته و در برابر اوج روگسترش مبارزات توده های زحمتکش موجب بروز شکاف و ترک در ارگانهای سیاسی هیئت حاکمه ایران بشوند . بهتر آن دید که قبل از شدیدتر شدن تضادها دستور لغو کلیه احزاب دست نشانده و از جمله احزاب ایران نوین و مردم را صادر کند . رهبران این احزاب نیز بهیکاره داوطلبانه خود را منحل کرده و یک شبه به عضویت حزب جدید التاسیس رستاخیز در آمدند . اما دیری نماند که اختلافات موجود در هیئت حاکم و بویژه جناحهای موجود در هیئت حاکمه با رزب مادری خود را در حزب جدید التاسیس پیدا کرد . رشت و اعتدالی مبارزات انقلابی این تضادها و اختلافات درونی را تشدید کرد طوری که دیری نماند که دو جناح موسوم به "پیشرو" و "سازنده" به عنوان نماینده منافع جناح سرمایه داران و مالاکان ارضی وابسته به باند شاه و جناح سرمایه داران بخش خصوصی در آن تشکیل گردید .

هوظنان مبارز اجازه دهید دنباله این بحث را در برنامه آینده دنبال کنیم .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه



باند های "پزشکپور" و "پنی احمد" و "حزب رستاخیز"

دهند. در چنین شرایطی هوشنگ نهاوندی یکی دیگر از عاملین سرسپرده انحصارات امپریالیستی وارد میدان میشود تا رنگ و جلای تازه ای به این حزب ورشکسته ببخشد. او طرح دهگانه ای تحت عنوان "حرکت ساز سیاسی" در جهت "نوسازی" این حزب تهیه کرده و به شاه تحویل میدهد. طبق این طرح جناح سوسی مشگل از کار شناسان رژیم و روشنفکران خود فروخته در این حزب بوجود میآید تا کنترل دقیقتر امپریالیست ها، ضد انقلابی این حزب فاشیستی را به عهده گیرد. نهاوندی در سخنرانی اول تیر ماه جاری در باره اهداف این حزب میگوید "حزب رستاخیز ملت ایران آنچیزی که شاه و ملت میخواستند نشد ولی فکر و اندیشه و طرح اولی غلط نبود و نظرم هنوز هم در این بعد زمانی از نظر تحول اجتماعی همه میکنند که حزب رستاخیز ملت ایران در رسالتی که بعهده دارد توفیق یابد". اما نکته جالب توجه این است که این ادعای نهاوندی درست در همان روزی پیاده شد که در مجلس شورای ملی نمایندگان این حزب فاشیستی بحان هم افتاده ویا منتهای گره شده بسوی یکدیگر حمله برده و همدیگر را محکوم به پیمان شکنی و خیانت به شاه مزدور و رژیم وابسته به امپریالیسم او میکردند. روز نامه اطلاعات در شماره اول تیر ماه جاری ضمن نقل مشاجرات و دعوی نمایندگان جناحهای مختلف هیئت حاکمه در مجلس مینویسد "که یکی از نمایندگان بنام عباس سیرزایی از جای خود بلند شد و به طرف تریبون دوید و در حالی که منتهای خود را بطرف پزشکپور گره کرده بود گفت: "تو سلطنت را نداری به آنتوب میکسانی". پزشکپور نیز در جواب (....)

هموطنان مبارزه کارگران و زمیننگشان ایران، درود بر شما!

در برنامه امروز بررسی ماهیت مخالفتی که از سوی بعضی جناحهای موجود در درون حزب فاشیستی رستاخیز و هیئت حاکم نسبت به خود کاظمی باند ضیاء شاه ابراز میشود می پردازیم. اهمیت این بحث از آن جهت است که نیروهای مبارز و دمکرات خلق می باید دیدی واضح و روشن نسبت به اختلافات و تضادهای درونی رژیم داشته باشند تا بتوانند به این ترتیب از افتادن در دام شرکتهای بظاهر دموکراتیک بعضی از باند های موجود در آن از این اختلافات نهایت بهره برداری را بنفع مبارزات واقعا پیگیر خود بعمل آورده و سرنگونی کامل رژیم وابسته به امپریالیسم را تسریع نمایند. هم اکنون هر یک از باند های مختلف موجود در هیئت حاکمه بنا بر مقتضای طبقاتی و صلاحدید جناحهای امپریالیستی و پشتیبانی خود در رقابت با یکدیگر شیوه های خاصی را برای حل مسائل اقتصادی و سرکوب جنبش انقلابی پیشنهاد می کنند. در این رابطه جنگهای مختلفی در میان نمایندگان مجلس و اعضای حزب فاشیستی رستاخیز بوجود آمده است. تشکیل جناح سوسی در حزب رستاخیز مشگل از دار و دسته نهاوندی احیای مجدد حزب پان ایرانیست توسط پزشکپور، تشکیل فراکسیون در مجلس تحت رهبری بنی احمد تنها نمونه هایی از بروز خارجی این اختلافات درونی رژیم میباشد. هر یک از باندهای مختلف موجود در هیئت حاکمه برای تقویت جناح خود در پی آن است که با اتخاذ تدابیر و دست های لیبرال مآبانه حمایت و پشتیبانی لایه های هر چه وسیع تری از بورژوازی لیبرال اصلاح طلب را بنفع خود کسب کند تا در نهایت بتواند با وجه المصلحه فرار دادن قدرت آنها امتیازات و گذشتهای بیشتری را بنفع خود از سایر باند های موجود در هیئت حاکمه کسب نماید. بنابراین شدت و ضعف وابستگی های باند ها و نمایندگانشان مختلف انحصارات امپریالیستی نسبت به بورژوازی لیبرال را می باید در درجه اول از دیدگاه نوع وابستگی های امپریالیستی و موقعیت خاص و جایگاه هر یک از آنها در هیئت حاکمه دارند مورد توجه قرار داد. از این رو بورژوالیبرالیهای واقعا ترقیخواه ما میبایست به این امر واقف باشند که لیبرال ناپس های بعضی از باندهای موجود در هیئت حاکمه در ماهیت امر نه بخاطر دلسوزی و خواست ترقیخواهانه آنها بلکه در اهل بخاطر کسب نیرو و بزرگسوی بیشتر در رقابت با مبارزه با سایر باند های موجود در هیئت حاکمه می باشد. روی خوشی که بعضی آنها نسبت به لیبرالیهای ترقیخواه از خود نشان میدهند حرکتی است تاکتیکی و کاذب که درست بخاطر چیرگی بر جنبش انقلابی و به انحراف کشیدن آن می باشد. از آنجا که هر یک از باندهای مختلف موجود در هیئت حاکمه با صد بند آشکار و نا آشکار به جناحهای مختلف امپریالیستی مرتبطند باید لیبرالیسم ظاهری آنها را هم از نوع لیبرالیسم امپریالیستی دانست. بعنوان مثال برخی سخنان بعضی مخالفان حزب فاشیستی رستاخیز را که در واقعیت در جهت مخالفت با سلطه مطلق العنان باند ضیاء شاه در پایان دوره اخیر مجلس از سوی بعضی از نمایندگان ابراز شد مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم متوجه می شویم که در خوانشها و مطالبات بظاهر لیبرال مآبانه آنها تا چه حد سطحی، خالی از هرگونه محتوای ترقیخواهانه می باشد. محسن پزشکپور در تاریخ ۲۸ خرداد ماه گذشته در مجلس گفت "چون حزب رستاخیز را در مسیر رستاخیز ملت ایران نمی بینم در سنگر خود یعنی حزب پان ایرانیست همچنان باقی خواهیم ماند". او سپس در توضیح انگیزه احیای حزب پان ایرانیست مطالبی را در مجلس بیان داشت و از جمله گفت "رستاخیز با اصول و مبانی نهاوندی آن که ریشه های عمیق تاریخی و اجتماعی دارد خود نهضت عام و مستمر ملت ایران است. چنین نهضت عام و مستمری نمی تواند حزب باشد. بنابراین اینکه بخواهند اصرار بورزند که اعتقاد به مبانی رستاخیز

گروه بررسی مسائل ایران و طرح فاشیستی آن علیه اقتدار میانی جامعه

هموطنان مبارز، کارگران و زحمتکشان ایران، درود بر شما!

دار و دسته نهباندی در طرحی که تحت عنوان "حرکت ساده سیاسی" ارائه داده خواهان اعطای گذشت هائی از سوی رژیم در جهت فرو نشاندن شعله های مردم فزاینده تر اعتراضات و مبارزات قهرآمیز توده های مبارز ایران شده است. اساس حرکت طرح نهباندی بر این پایه استوار است که از یکطرف زمینه مساعد تری را برای رشد آن بخش از سرمایه های غارتگر وابسته که هم اکنون نسبت به قدرت سرمایه های بخش غالب هیئت حاکمه یعنی باند سیاه شاه و نرگا* تحت فشار می باشند فراهم آورده و از طرف دیگر جنبش انقلابی توده های زحمتکشان را به کمک شیوه های عوام فریبانه تری مهار و سرکوب نماید بهمن جهت در طرح پیشنهادی نهباندی تر رابطه با هدف اول پیشنهاداتی چون مبارزه با بیوزبازی زمین، تعدیل نظر در اعتبارات بانکی بخاطر کاهش از حجم اعتبارات صرفی به نفع اعتبارات تولیدی، نقض بعضی از انحطارات و تأمین بعضی مکانیزمهای آزادی اقتصادی و همچنین تعدیل حمایت های گمرکی از صنایع انحطالی وجود دارد. اما در رابطه با هدف دومی که در طرح او تعریف شده است مواردی چون تعدیل در میزان مالیاتهای غیر مستقیم، انقاص اطاق اصناف و جایگزین نمودن آن با اتحادیه های به اصطلاح دموکراتیک صنفی بچشم میخورد. نهباندی در دار و دسته او بر خلاف سایر بخش های موجود در هیئت حاکمه در مقابله با جنبش انقلابی و دموکراتیک توده ها طرحهایی را ارائه میدهند که بر اساس آنها فشار اختناق و انکسار حکومت به قدرت سرنیزه تا اندازه ای تعدیل یافته و در مقابل با انحصار شیوه های عوامفریبانه تری تحت عناوینی چون "ایجاد فضای باز سیاسی" به سرکوب جنبش ادامه داده خواهد شد. هر چند که هم اکنون بعضی از ارگانهای رژیم مانند اطاق اصناف و یا وزارت دارائی به جهت وابستگی های خود به باند غالب هیئت حاکمه تمیلا به مخالفت با او برخاسته اند ولی می توان از هم اکنون پیش بینی کرد که سرانجام با جرح و تعدیلهائی نامحسوس خواهد شد تا برای فرو نشاندن مبارزات دموکراتیک توده های خلق تدابیر ضد انقلابی این طرح را با یکدیگر به بوته ارمایش بریزند. به لطف گروه نهباندی ناسامانی های سیاسی - اقتصادی رژیم از ماهها قبل بوسیله گروه آنها پیش بینی شده بود اما گزارش های آنرا مقامات اجرائی با تسخیر تلقی کردند. شاه نیز در سخنرانی خود دو مراسم گنایش کفرانر روشای دانشگاه های جهان که در ه تیر ماه گذشته در تهران انجام گرفت بطور صریح اساس حرکت دار و دسته نهباندی را مورد تأیید قرار داده و گفت: " ما برای مقابله با دشواریها راه حل های نوآگویی پیدا کرده ایم مابه نظام کهنه فئودالی پایان داده ایم. نیادهای سیاسی ما باید با تحلیل این دگرگونیهای همکار انگیز باشند تا خود را با خواستههای رو به تزاید جامعه نو و پویای ما انطباق دهند. مورد نظر ما آن است که نهادهای ایرانی شامل قوه قانون گذاری حزب رستاخیز انجمن های ملی و دیگر مراجع عمومی باید طیف گسترده تری از دیدگاهها را ضحلی سازند." بدین ترتیب می بینیم که شاه نیز ناچاراً برای حل ناسامانیهای اوضاع منززل و شکننده اقتصادی و سیاسی رژیم طرح های به اصطلاح دور اندیشانه و مطالبه کارشناسان صلحت اندیش خود را تا اندازه ای پذیرفته است. اما اکنون ببینیم که ماهیت رفرمهای ارائه شده از نوه انحلال اطاق اصناف در ظاهر برای ایجاد هماهنگی بین اتحادیه های صنفی و راهشائی اصناف ولی در حقیقت برای تحمیل بار تورم و بحران اقتصادی بر دوش پسته ویران کاسبکاران و بطور کلی بازاریان بوجود آمده. مثلاً طبق آمار منتشره از طرف دولت اطاق اصناف پایتخت سنو - لبت اتحادیه های صنفی را در بر میگیرد که جمعاً بیش از ۲۰۰ هزار واحد صنفی را در زیر پوشش خود دارد و همگی ملزم به رعایت مقررات و تصمیمات اطاق اصناف می باشند. زور گویی مایوران و باج بگیران اطاق اصناف در جریان حار و صحنائی که رژیم بنام مبارزه با گرانفروشی بر اه انداخته بر کسی پوشیده نیست. این اجط - قات مزدوران رژیم خود موجب تشدید نا رضائی و اعتراض خشم آلود فروشندهگان جز و تعارض بازار گردید که (...)

خسب انتقاد به نظام شاهنشاهی که در جایگاه قانون اساسی بصورت مشروطه سلطنتی تجلی نموده است و بنا بر اقتدار به قانون اساسی مستلزم این است که کسی الزاماً عضویت تشکیلات خاصی را داشته باشد نوی تلاش و فشار تلقی خواهد شد. حزب پان ایرانیست هم که بر خاسته از ناسیونالیسم ایران است در دل رستاخیز قرار دارد. "بدین ترتیب بطور اختصاری معلوم میشود که امری که یژشکیر و پارانشرا وادار به مخالفت با حزب رستاخیز نموده نه دلسوزی و علاقه آنها نسبت به منافع ضایع شده و حقوق دموکراتیک توده های تپه دست بلکه در واقعیت امر برای کسب قدرت بهتر در رقابت با سایر جناحهای موجود در هیئت حاکمه می باشند. همچنین فراگسوتی که احمد بنی احمد در مجلس براه انداخته بعنوان یکی از اولین اقدامات خود از لایحه اصلاح قانون انتخابات انتقاد کرده است. جالب ایندست که طریقات خارجی فریب در حمایت از آنها سیاستی را که از طرف این جناح عنوان میشد مشابه خط مشی احزاب سوسیال دموکرات کشورهای اروپای غربی توصیف نموده اند بنی احمد و طرفدارانش در بیانیه مربوط به کتاره گیری خود از حزب رستاخیز که اول تیرماه گذشته صادر نمودند چنین اعلام داشتند: " ما علیرغم اینکه در حزب رستاخیز ملت ایران نیستیم با قبول هر مخاطره ای جهت تحقق آرمانهای ملی مبارزه خود را ادامه خواهیم داد برننامه اساسی ملت ایران استقرار دموکراسی با استفاده از روشهای صالمت آمیز و قانونی است تا با مشارکت همه ایرانیان در اعمال حاکمیت جامعه پاسداری شوند." اما هموطنان مبارز، اینکه عناصری چون یژشکیر و بنی احمد رسماً اعلام میدارند که هیچگونه مخالفتی با صائی بنیادی رستاخیز ندارند، اینکه آنها خائنه ادعا میکنند اصول فاشیستی رستاخیز - محتوای عمیق تاریخی و اجتماعی دارد - اینکه آنها علناً اعتراض میکنند به نظام شاهنشاهی اقتدار داشته و آرمانهای به اصطلاح ملی خود را می خواهند با استفاده از روشهای صالمت آمیز و قانونی و در چار چوب نظام حاکم ناصحن نمایند و بالاخره آنها می خواهند اهداف ضد انقلابی خود را تحت عنوان انتقاد به قانون اساسی که تازه در صورت اجرای کاملش نمیتواند پاسخگوی مطالبات و اهداف دموکراتیک عمومی جنبش باشد توصیف چه چیزی جز خود سرب و خود غرض آنها نسبت به منافع دموکراتیک ما که خواهان سرنگونی کامل نظام شاهنشاهی هستیم می تواند باشد؟

اصولا نرخ فروش ارزاق عمومی توسط خرده فروشان تابع قیمت تعیین شده بوسیله وارد کنندگان ، دلان ، و تولید کنندگان بزرگ و وابسته به انحصارات امپریالیستی اند و این در واقع آنها هستند که برای به جیب زدن سودهای کلان قیمت کالاهای مصرفی را افزایش میدهند. یک دکاندار بازار یا حجره دار که فروشنده خرده پای خواربار یا لبنیات است نمیتواند نقش تعیین کننده در ایجاد تورم و گرانفروشی داشته باشد. در نتیجه اقدامات اطاق اصناف نه تنها موجب کنترل و کاهش قیمتها نگردید بلکه خود به زیان رژیم موجب افزایش ناراضی و حتی تشدید تورم نیز شد. پس فروشنده ای که مبالغ هنگفتی به عنوان جریمه و باج به مأموران اطاق اصناف میپردازد و ناچار است برای جبران ضرر خود آنها بروی قیمت کالاهای خود سرشکن نماید ، یا مانند بسیاری از کاسبکاران و شرکتهای شده و سرمایه ناچیز خود را نیز از دست میدهند. اهمیت این قضیه وقتی بیشتر برایمان روشن میشود که از روی آمار رژیم معلوم گردید که هزینه سالانه اطاق اصناف بیش از ۵۰ میلیون ریال بوده که ناطا از طریق جریمه کردن اصناف و به بهانه گرانفروشی و تخلفات صنفی از آن اخذ میگردید. از طرف دیگر در بودجه سال جاری دولت آموزگار چنین به عمل آمده تا برای کاهش سطح تورم ، میزان تقاضا برای خریدن کالاهای مصرفی را بوسیله محدود نمودن قدرت خرید مردم تصمص دهند. به این جهت از یکطرف برای تامین کسری بودجه و از طرف دیگر برای کم نمودن سطح تقاضا میزان مالیاتها و بویژه مالیاتهای غیر مستقیم را افزایش داده اند تا اینکه طبق آمار رسمی دولت در سال جاری ۳۷۷ میلیارد ریال مالیات بطور غیر مستقیم از مردم گرفته میشود. واضح است که بدین ترتیب فشار مالیاتهای غیر مستقیم بیشتر از همه بر دوش حقوق بگیران و به ویژه کارگران و سایر زحمتکشان وارد میشود چون آنها بیشترین مصرف کنندگان ارزاق عمومی مانند قند ، پنیر ، نان ، جای و غیره هستند در مقابل میزان مالیاتهای غیر مستقیم که از طبقات زحمتکش و متوسط گرفته میشود سرمایه داران و واسطه های وابسته به هیئت حاکمه و انحصارات امپریالیستی بطرق مختلف از پوخت مالیاتهای مستقیم طفره میروند. به این براین (.....) افزایش ناراضی ها و اعتراضات خشم آلود توده های زحمتکش شده است. از همین رو است که طرح پیشنهادی دار و دسته مصلحت اندیش نهادی شامل مواردی است که تعدیل مالیات های غیر مستقیم ، انحلال اطاق اصناف و تشکیل انطویه های به اصطلاح صنفی دموکراتیک می باشد. اما همانطور که قبلا اشاره کردیم این ارگانهای سرکوبتها یک جنبه فرعی از مامیت طرح پیشنهادی رژیم می باشد. اساس حرکت این طرح بر این پایه استوار است که همزمان با فرونشاندن آتش مبارزات دموکراتیک تکیه توده های خلق زمینه رشد و غارتگری بیش از پیش سرمایه های وابسته به انحصارات امپریالیستی را فراهم آورد. در این میان مخالفتهای شدیدالحن اطاق اصناف و متحد یگانه وزیر دارائی تنها ناشی از رقابتهاهی است که بین باند های مختلف موجود در هیئت حاکمه و بر سر نحوه تقسیم منابع ثروت خقیهای تحت ستم ایران است. تنها با سرنگونی این رژیم وابسته به امپریالیسم است که کارگران - دهقانان و سایر زحمتکشان ایران می - توانند به حقوق دموکراتیک خود نائل آیند.

هموطن مبارز!

به برنامه فارسی صدای انقلاب عمان که هر هفته روزهای شنبه ، دوشنبه و چهارشنبه ۲۰ / ۲۰ الی ۲۰ / ۲۰ دقیقه روی موج کوتاه ردیف ۴۱ / ۶۰ متر پخش میشود گوش دهید .